

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، 23 سپتمبر 2008

با زهم کودک مظلوم افغان کودک امروز ، مجاهد فردا

مقاله معنون به "یرغلگرو ته" را که شعری آذین مقدمه اش گردیده، از خامه جناب "تارا خان" ، به زبان معظم و ملی پشتو، در همین پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" خواندم و بر عکسی که در جبین آن چسبیده، خیره گشتم. من همان عکس را درین مقال می گنجانم و از نظر افخم تو خواننده گرانقدر می گذرانم، تا برداشت تو از آن چه باشد؟؟؟



- من در این عکس دو طرف نابرابر را می بینم :
- یک طرف "نیشخند زنان" و طرف دیگر "گریه کنان"
 - یکی چون "نره غولی مست" به خنده اندر، و آن دگری از منتهای درمانگی، پای در گریز
 - آن یکی سر تا پای در پراق ، و اندگری ژولیده و پابرهنه
 - یکی در معراج گردنفرازی و آندگش در اوج بیچارگی و مسکینی
 - در یک طرف غروری شدادی و در طرف دیگر ، مظلومیتی فلسطینی
 - در یکطرف "مهمان ناخوانده" اختیاردار و در طرف دیگر "صاحبخانه" بی اختیار
 - آنطرف غرق در خود و زره، با شکم گنبدیده و این طرف ، انسانی یک لا قبا با شکمی چسبیده به پشت

- آن طرف سربازی متجاوز از کشوری تجاوزگر و بانیات تجاوزکارانه ، این طرف عجزی خشمگین و خشمی غوطه ور در دریای انتقام

این کودک مظلوم افغان اگر زنده بماند، فردا چه خواهد کرد؟؟؟ من میگویم، که وی دست به سلاح خواهد برد و انتقام روزی را خواهد گرفت، که چنین گریه کنان از کنار فرعونان زمان و نرونان دوران میگریخت.

ای هموطن!
گمان نبری که چنین صحنه ای منحصر به فرد است و تکرار ناشدنی. نه خیر! ازین صحنه ها هر روز به دهها و صدها بار در نیم جنوبی وطنت تکرار میگردد و عجبی ندارد که روز تا روز مقاومت شدید تر و ساحة مقاومت وسیع تر میگردد. چون افغانی که یکبار در چنین حالت قرار گرفت، دیگر هرگز آرام نخواهد گرفت. بلی آرام نخواهد گرفت، تا انتقام خود و خانواده و بستگان و وطنداران مظلوم خود را از شداد بی مقدار و طاغوت روزگار نگیرد.

ای هموطن درآشنا
و ای "افغان" غیور!
مگر گاهی بفکرت رسیده که تو خود در چنین حالتی قرار بگیری؛ در حالتی که فرعونیان مسلح، دست به ماشه ماشیندار به کلبه محقرت بریزند، راه گریز آل و عیالت را ببندند ، و غرور ترا در برابر زن و فرزندت به زمین بزنند. تو به حیث یک "افغان" ، چه راهی را در پیش خواهی گرفت؟؟؟ "افغانیت" تو چه حکم خواهد کرد؟؟؟ مگر خونت در رگهای انتقام ، جوشیدن نخواهد گرفت؟؟؟ مگر از همان دم "زندگی" ، حکم "مرگ" و "هستی" ، حکم "نیستی" را پیدا خواهد کرد؟؟؟

ای هموطن!
این کودک توست که میگرید،
از دست شدادان زمان!!!
این خانه توست که آماج هجوم زنگیان مست قرار گرفته!!!
این وطن توست که زیر پای اشغالگران،
صیحه میکشد و فریاد همی زند!!!